

تحلیل دو رأی درباره زیان معنوی ناشی از نقض تعهدات قراردادی

(نوع مقاله، علمی - پژوهشی)

عباس میرشکاری*

محمد ارضی^۱

چکیده:

موضوع این نوشتار، تحلیل دو رأی در زمینه‌ی مطالبه زیان معنوی است. ماجرای این دو رأی، از این قرار است که متعهد به انجام فیلم‌برداری از مراسم عروسی به تعهد خویش عمل نکرده و نسبت به تحویل فیلم‌های عروسی اقدام نمی‌کند، متعهدله نیز، اقامه دعوا کرده و خواستار جبران زیان‌های وارده به خویش شده است. طبیعتاً، یکی از مصادیق زیان‌های وارده، خسارت معنوی است که به متعهدله، به دلیل نداشتن خاطره تصویری ماندگار از مراسم عروسی وارد شده است. حال، باید دید که با چه شرایطی این نوع از زیان در نظام حقوقی ایران، قابل مطالبه است. در این مقاله، با تأکید بر اینکه خسارت معنوی مطالبه شده، مستقیماً از تقصیر متعهد ناشی شده و نوعاً نیز، قابل‌پیش‌بینی است، بر قابلیت مطالبه آن تأکید شد. مسئله دیگر، روش جبران زیان وارده است. در این دو رأی، از دو روش برای جبران زیان معنوی استفاده شده است: یکی، الزام خواننده به «پرداخت معادل اجرت دریافتی» و دیگری، الزام وی به «پرداخت معادل هزینه‌های برگزاری مراسم». در این نوشتار، با تأکید بر اینکه قاضی باید به روشی بیندیشد که با «اوضاع و احوال قضیه» سازگار باشد، تلاش می‌شود درستی استفاده از روش‌های یاد شده بررسی شود.

کلیدواژه‌ها: خسارت معنوی، الزام به انجام تعهد اصلی، جبران خسارت، حق فسخ.

*. دکترای تخصصی حقوق خصوصی دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران (نویسنده مسئول)

Email: mirshekariabbas1@ut.ac.ir

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق خصوصی دانشگاه علوم قضایی تهران

Email: mohammadarzi@yahoo.com

فرض کنید آقای الف، فیلم‌برداری از مجلس عروسی خویش را به آقای ب سپرده است. آقای ب نیز، در موعد مقرر در مجلس عروسی حاضر شده و از مراسم، فیلم‌برداری می‌کند. با این حال، پس از برگزاری مراسم و با مطالبه آقای الف، آقای ب اعلام می‌کند که به دلیل پاک شدن حافظه‌ی دستگاه فیلم‌برداری، قادر به تحویل فیلم‌ها نمی‌باشد. پس از این اتفاق، آقای الف، راهی دادگستری شده و از آقای ب، جبران زیان‌های وارده به خویش را مطالبه می‌کند. او ادعا می‌کند که به دلیل عدم تحویل فیلم‌ها از سوی آقای ب، دچار زیان معنوی شده‌است. به علاوه، انگیزه‌ی اصلی وی از برگزاری مراسم عروسی، داشتن فیلم از این مراسم بوده‌است. برای همین، با عدم انجام تعهد از سوی آقای ب، تمامی هزینه‌های پرداخت شده بابت این مراسم، برایش بیهوده و بی‌ارزش شده‌است. در نتیجه، آقای ب باید تمامی هزینه‌های صورت گرفته را پرداخت نماید.

در برابر چنین دعوایی، پرسش‌های مختلفی قابل طرح است: نخست اینکه آیا متعهدله می‌تواند با وجود بقای قرارداد، به جای الزام متعهد به اجرای تعهد، به سراغ مطالبه خسارت برود یا آنکه در درجه نخست، باید الزام متعهد را به اجرای تعهد خواسته و در صورت عدم امکان، خسارت وارده را مطالبه کند؟ تردید اصلی از این جهت است که مطالبه خسارت عدم انجام تعهد بر خلاف درخواست الزام به اجرای اصل تعهد، به دلالت التزامی به این معناست که قرارداد منحل (فسخ یا منسوخ) شده‌است (پارساپور و همکاران، ۱۳۹۴: ۱۵)، در حالی که این مدلول، بر خلاف اصل لزوم قراردادهاست. بنابراین، شاید منطقی‌تر آن باشد که ابتدا الزام به انجام تعهد خواسته شده و در مرحله بعد، به سراغ مطالبه خسارت برویم، همان‌گونه که میان فسخ و الزام به اجرای تعهد نیز، چنین ترتیبی پذیرفته شده‌است. پس در فرضی که متعهد به میل خود، قرارداد را اجرا نمی‌کند باید الزام به اجرای قرارداد را از دادگاه درخواست کرد، چراکه مقصود و منظور طرفین از انعقاد قرارداد، اجرای تعهدات اصلی ضمن قرارداد بوده‌است. جبران خسارت و حق فسخ هر دو شیوه‌های بدلی اجرای تعهدات هستند و تا زمانی که تعهدات اصلی قابل انجام است نباید به سراغ تعهدات بدلی برویم. اما در مقابل می‌توان گفت که درخواست اجرای تعهدات اصلی، تکلیف متعهدله نیست،

بلکه اختیار اوست. اجرای این اختیار، همواره و تحت هر شرایطی مطلوب او نمی‌باشد، چه بسا که در بسیاری از موارد متعهدله به دلیل لزوم صرف هزینه و وقت زیاد برای طرح دعوی الزام به اجرای اصل قرارداد از این اختیار خود چشم پوشی کند و اجرای شیوه‌های بدلی را بیشتر به نفع خود ببیند.

جدای از این تردید، باید دید که آیا شرایط لازم برای تحقق مسئولیت مدنی خواننده فراهم است یا خیر؟ آیا او مرتکب تقصیر شده‌است یا خیر؟ به علاوه، آیا میان رفتار خواننده و زیان‌های مورد ادعای خواهان، رابطه سببیت برقرار است یا خیر؟ مهم‌تر از همه‌ی این‌ها، آیا زیان مورد مطالبه، برای خواننده قابل پیش‌بینی بوده‌است یا خیر؟ در فرضی که پاسخ به این پرسش‌ها مثبت باشد، باید دید که با چه روشی می‌توان زیان وارده به خواهان را جبران نمود؟ آیا الزام خواننده به پرداخت هزینه‌های عروسی روش مناسبی است یا آنکه باید به روش دیگری فکر کرد؟

به‌هرروی، با توجه به اینکه به تازگی دو پرونده، دقیقا در راستای فرض مذکور در ابتدای این نوشتار، مطرح شده، تصمیم گرفته‌شد به بررسی رویکرد دادگاه‌ها در مواجهه با این پرونده‌ها پرداخته‌شود. بر این اساس، ابتدا به شرح دو پرونده پرداخته و سپس با توجه به سوالات یادشده، تلاش می‌شود موضوع بررسی شود.

۱. شرح پرونده‌ها

۱-۱. پرونده نخست

وکیلی از سوی خواهان دادخواستی به خواسته‌ی تقاضای صدور حکم مبنی بر مطالبه خسارت مادی و معنوی وارده به دلیل ازبین‌بردن فیلم و عکس جشن عروسی ارائه داده و در شرح آن چنین می‌نویسد: «موکل، خواهان فوق‌الذکر در تاریخ ۱۳۹۳/۶/۲۹ جشن عروسی خود را برگزار می‌نماید و از خواننده محترم به عنوان فیلم‌بردار و عکاس می‌خواهد که کارهای مربوط به فیلم‌برداری و عکاسی از مجلس ایشان را بر عهده بگیرند و به خاطر اینکه قصد فیلم‌برداری از مجلس خود را داشتند از تمامی امکانات لازمه استفاده می‌کنند، اما متاسفانه خواننده محترم با

انجام اقدامات غیرحرفه‌ای باعث از بین رفتن فیلم‌ها و عکس‌های متعلق به خواننده شده و بعد از مدتی پنهان‌کاری بالاخره به این موضوع اعتراف می‌کنند و حاضر به جبران خسارت مادی و معنوی موکل نیستند. از این رو، مطابق با قانون مسئولیت مدنی و با استناد به شهادت شهود که در جریان موضوع هستند، تقاضای صدور حکم به محکومیت ایشان به پرداخت مطلق خسارت مادی و معنوی وارده به موکل را دارم.»

دادخواست به دادگاه بخش لاران ارجاع و به کلاس ۹۴۰۱۶۸ بایگانی می‌شود. خواننده در جلسه دادگاه به تاریخ ۱۳۹۴/۴/۲۳ چنین اعلام داشت: «فیلم عروسی روی حافظه داخلی دوربین بوده که از آنجا به یک هارد اکسترنال انتقال دادیم که رمزدار بوده، به دلیل اینکه سه بار رمز را اشتباه دادیم هارد کلا فرمت شد و فیلم از بین رفت و من هارد را به اصفهان و حتی یک نمایندگی معروف تهران فرستادم که بیست روز زیر دستگاه بوده، فایده نداشت...». طبق نظریه کارشناس رسمی دادگستری که در اثر صدور قرار کارشناسی توسط قاضی پرونده صلاحیت اظهارنظر در خصوص پرونده را پیدا کرده، امکان بازیابی فیلم عروسی از حافظه‌ی دستگاه فیلم‌برداری از طریق ارسال این دستگاه به کشور آلمان و پرداخت هزینه‌های خاص این امر وجود دارد.

در جلسه ۱۳۹۴/۸/۲۰ خواهان چنین اعلام داشت: «الان من کل هزینه‌هایی را که برای عروسی کرده‌ام می‌خواهم و خسارت کل اشک‌هایی را که خانمم ریخته‌است، می‌خواهم و اصلاً راضی نیستم که برای من کلیپ تهیه کند چون من عین آن لحظاتی که در عروسی است را می‌خواهم چون عروسی را فقط برای فیلم‌برداری گرفتم و چون اگر قرار بود که فیلمی نداشته باشم عروسی نمی‌گرفتم و می‌رفتم ماه عسل. در صورتی که ۲۵ میلیون تومان هزینه برای عروسی متحمل شدم». وکیل خواهان نیز در لایحه خویش چنین می‌نویسد: «شما به خوبی بر این امر واقف هستید که ثبت این لحظات به عنوان بهترین لحظات زندگی هر فردی همواره مایه آرامش و تجدید خاطره است به طوری که هیچ چیز نمی‌تواند جایگزین آن شود...».

سرانجام، دادگاه در دادنامه شماره ۲۰۰۶۲۹ به تاریخ ۱۳۹۴/۸/۲۵ به شرح زیر اقدام به صدور رأی می‌نماید: «خوانده با حضور در جلسه اول رسیدگی اقرار نموده‌است که قصور و بی‌احتیاطی ایشان منجر به از بین رفتن فیلم عروسی شده‌است و حاضر است به هر نحوی که شده رضایت ایشان را جلب کند، من جمله کلیپ از او تهیه کند. عدم انجام صحیح تعهد منجر به ورود خسارت مادی و معنوی به خواهان شده‌است، اما باید توجه نمود که بر اساس اصول جبران خسارات در مسئولیت مدنی، تنها خساراتی قابل جبران می‌باشند که رابطه مستقیم با عدم انجام تعهد از ناحیه متعهد دارند، لذا دادگاه این ادعای خواهان را که چون عکس‌برداری به طور صحیح به انجام نرسیده پس عکس‌بردار می‌بایست هزینه عروسی را پرداخت کند چون اصلاً انجام عروسی صرفاً به قصد فیلم گرفتن بوده است را وارد نمی‌داند، چون آنچه مستقیماً به عنوان خسارت مادی در اثر عدم انجام تعهد عکس‌بردار مطرح می‌شود هزینه‌ای است که شخص برای فیلم‌برداری متحمل شده است و مزاد بر آن علاوه بر اینکه متعهد از قصد و نیت خواهان اطلاع نداشته به عنوان خسارت نمی‌توان مطالبه کرد. به خصوص آنکه در مسئولیت مدنی قراردادی عنصر قابل-پیش‌بینی بودن شرط لازم برای جبران خسارت می‌باشد. عدم انجام تعهد یا اجرای ناقص تعهد از ناحیه متعهد باعث ورود خسارت معنوی به متعهدله گردیده‌است. ایشان اظهار داشته: «بعد از این که اطلاع از عدم انجام تعهد پیدا کردیم همسرم همیشه ناراحت بود.» و در جلسه حضوری اظهار داشت: «همسرم وقتی فیلم‌های عروسی دیگران را می‌دید متأثر می‌شد و اصلاً به خاطر او بود که من حاضر به گرفتن مراسم عروسی شدم و گرنه، می‌خواستم به ماه غسل بروم که هزینه کمتری نیز دارد.» هزینه انجام عمل فیلم‌برداری ۶۰۰ هزار تومان می‌شود. علی‌هذا دادگاه بنابر مراتب مطروح و با احراز ارکان مسئولیت مدنی و اینکه بر اساس مقررات قانون مسئولیت مدنی، خسارت معنوی در کنار خسارت مادی قابل جبران می‌باشد و شکل و شیوه جبران خسارت به اختیار دادگاه می‌باشد، مستنداً به مواد ۱، ۲ و ۳ از قانون مسئولیت مدنی حکم به محکومیت خوانده به پرداخت مبلغ ۶۰۰ هزار تومان بابت خسارت مادی و نیز ۶۰۰ هزار تومان بابت خسارت معنوی وارده به ایشان صادر و اعلام می‌نماید...».

پرونده در اثر اعتراض خواهان به رأی صادره از دادگاه بدوی به دادگاه تجدید نظر می‌رود، ولی رأی صادره عینا توسط شعبه ششم دادگاه تجدیدنظر استان چهارمحال و بختیاری طی دادنامه‌ی شماره ۹۵۰۹۹۷۳۸۱۴۷۰۰۰۷۶ به تاریخ ۱۳۹۵/۱/۲۹ تایید می‌شود.

۱-۲. پرونده دوم

خواهان‌ها طی دادخواستی خسارت مادی و معنوی ناشی از سهل‌انگاری و قصور خواننده که منجر به از بین رفتن عکس و فیلم‌های مراسم جشن عروسی خواهان‌ها شده‌است را درخواست کرده‌اند. این دادخواست به شعبه ۱۲ دادگاه عمومی اصفهان ارجاع می‌شود. حسب شرح دادخواست، خواننده، به موجب قرارداد مورخ ۱۳۹۵/۰۳/۱۷ خدمات تصویربرداری و عکس‌برداری و مونتاژ مراسم عروسی زوجین در تاریخ ۱۳۹۵/۰۶/۱۷ را برعهده گرفته، ولی پس از برگزاری مراسم عروسی اعلام کرده که سخت‌افزار حافظه‌ی کامپیوتر دچار مشکل شده‌است و به همین جهت، فیلم‌ها و عکس‌های گرفته شده قابل بازیابی و تحویل نمی‌باشد. حال، خواهان‌ها مدعی هستند که برای مراسم جشن عروسی خود مبلغی بالغ بر ۲۶ میلیون تومان هزینه کرده‌اند که موجب خسارت مادی آنها شده و تمامی لحظات آن شب تکرارنشده‌ی پاک شده و از بین رفته، به گونه‌ای که گویا هیچ زمانی سپری نشده و در نتیجه خسارت معنوی غیرقابل‌انکار و جبران‌ناپذیری به آنها وارد شده‌است، لذا جبران خسارت مادی و معنوی خویش را از خواننده درخواست کرده‌اند. خواننده به رغم ابلاغ قانونی در دادگاه حضور نیافته و دفاعی به عمل نیاورده، ولی با توجه به گزارش کارشناس رسمی دادگستری در پرونده تامین دلیل، وقوع حادثه ادعایی خواهان‌ها محرز است. دادگاه در دادنامه به تاریخ ۱۳۹۸/۰۵/۰۸ چنین تصمیم می‌گیرد: «... برای تحلیل حقوقی موضوع، می‌دانیم که قواعد حاکم بر مسئولیت مدنی بر اساس ارکان تحقق مسئولیت بر سه پایه فعل زیانبار، رابطه سببیت و زیان استوار است. فعل خواننده زیانبار است زیرا خواننده مسئولیت محافظت از فیلم و عکس‌های مراسم را برعهده داشته و حداقل مسئولیت وی آن بوده که فیلم‌ها و عکس‌های مراسم را علاوه بر هارد کامپیوتر در یک حافظه جانبی نیز نگهداری کند، اما وی با ترک این وظیفه زمینه ورود خسارت را فراهم آورده‌است. رابطه سببیت این فعل با

خسارت مادی مورد ادعای خواهان‌ها برقرار نیست. از نظر عرفی نیز این زیان به فعل خواننده قابل استناد نیست، ضمن آنکه صدق عنوان زیان بر هزینه‌های برگزاری مراسم عروسی محل تامل است زیرا زوجین اراده بر برگزاری مراسم عروسی و صرف هزینه برای پذیرایی از مهمانان را داشته‌اند و نمی‌توان این هزینه‌ها را زیان تلقی کرد. در خصوص خسارت معنوی باید گفت خسارت معنوی دارای ویژگی‌هایی است که کاملاً منطبق بر خسارت مادی نیست ولی در اصل جبران‌پذیری بدون تردید است و قطعاً لطمه وارد شده به احساسات و عواطف زوجین ضرر تلقی می‌شود و این لطمه به فعل خواننده قابل استناد عرفی است. حال مسئله این است که آیا شخص واردکننده زیان باید به صورت مادی این خسارت را جبران کند؟ در پاسخ باید گفت که هر کس موجب تالامات روحی شخصی را فراهم آورد باید موجبات خرسندی وی را نیز فراهم آورد ضمن آنکه بر اساس قاعده من له الغنم فعلیه الغرم، با توجه به آن که خواننده به انگیزه تحصیل مال فقط اقدام به انعقاد قرارداد کرده است مسئول جبران زیان وارده نیز می‌باشد و به هر حال این ضرر باید جبران شود. مصداق‌های جبران هم می‌توانند امور مختلفی از قبیل پرداخت پول و عذرخواهی باشد و تعیین مصداق جبران و الزام به آن بر اساس تشخیص دادگاه صورت می‌گیرد. به نظر این دادگاه دادن وجه می‌تواند خشنود کننده باشد. ضمن این که از این طریق می‌توان به اهداف مسئولیت مدنی از جمله اجتناب از اضرار، پیشگیری از تکرار، تنبیه مدنی و ترمیم وضعیت زیان‌دیده نائل شد. این دادگاه جهت جبران این خسارت موضوع را به کارشناس ارجاع کرد تا کارشناس بررسی کند اگر زوجین تمایل داشته باشند زمینه‌ای فراهم کنند تا مجدداً با تهیه مقدماتی مشابه عکس و فیلم‌های مراسم عروسی از خود عکس و فیلم تهیه کنند، چه میزان هزینه صرف می‌شود تا بتوان موجبات خوشنودی زیان‌دیدگان را فراهم آورد، کارشناس جمع هزینه‌های مربوط به تجدید مراسم جهت فیلم‌برداری و عکس‌برداری شامل اجاره تالار فیلم-برداری و عکس‌برداری اجاره باغ جهت لوکیشن فیلم‌برداری، اجاره خودرو، ماشین عروس، دسته گل عروس، لباس داماد لباس عروس، آرایش ساقدوش‌ها، خودروی فیلم‌برداری، آرایشگاه عروس و داماد و هزینه‌های متفرقه را جمعاً ۲۳ میلیون و ۳۰۰ هزار تومان ارزیابی می‌کند. کارشناس اجاره تالار را ۵۰۰۰۰۰۰۰ ریال ارزیابی کرده ولی نظربه اینکه تجدید مراسم مستلزم برگزاری

مراسم در همان سالن در ایام تعطیل نمی‌باشد، دادگاه هزینه اجاره سالن در ایام غیرتعطیل را از محل برگزاری مراسم خواهان‌ها استعلام کرده که حسب پاسخ استعلام واصله حداقل هزینه اجاره تالار در طبقه اول تالار همراه با آتش‌بازی و رقص‌نور و جایگاه ویژه عروس و داماد و تزئینات تالار جمعاً ۲۶۰۰۰۰۰۰ ریال اعلام شده، لذا دادگاه در خصوص خواسته خواهان‌ها مبنی بر جبران خسارت مادی به لحاظ عدم وجود رابطه سببیت بین خسارت ادعایی و فعل خواننده، خواسته خواهان‌ها را وارد ندانسته و مستند به ماده ۱۹۷ آ.د.م حکم به بی‌حقی خواهان‌ها صادر و اعلام می‌نماید. در خصوص خواسته خواهان‌ها مبنی بر جبران خسارت معنوی، خواسته را ثابت تشخیص و مستند به مواد ۱، ۲ و ۳ قانون مسئولیت مدنی و ماده ۱۴ آ.د.ک حکم به الزام خواننده به پرداخت ۲۰۹۰۰۰۰۰۰ ریال به عنوان اصل خواسته و مبلغ ۱۲۸۷۰۰۰۰۰ ریال به عنوان خسارت دادرسی در حق خواهان‌ها صادر و اعلام می‌نماید...».

۲. تحلیل پرونده‌ها

همان‌گونه که می‌دانیم، مسئولیت مدنی به دو دسته‌ی قراردادی و قهری تقسیم می‌شود (کاتوزیان، ۱۳۹۷: ۱۳۲). مسئولیت مدنی قراردادی، مسئولیتی است که از نقض تعهدات قراردادی حاصل می‌شود (همو، ۱۳۹۴: ۱۷؛ صفایی و رحیمی، ۱۳۹۴: ۱۸۶). در مقابل، مسئولیت مدنی قهری ناظر به فرضی است که شخص از تعهدات قانونی و عمومی سرپیچی کند و در نتیجه به دیگری ضرر بزند (کاتوزیان، ۱۳۹۴: ۱۸). بدیهی است که در پرونده مورد بحث، با مسئولیت مدنی قراردادی روبه‌رو هستیم: فیلم‌بردار، به موجب قرارداد، این تعهد را پذیرفته که از مجلس عروسی متعهدله، فیلم برداری کند. قاعدتاً زمانی این تعهد، اجرا شده است که فیلم‌های عروسی تحویل خواننده گردد. بدین ترتیب و با وجود قرارداد، روشن است که مسئولیت خواننده از نوع قراردادی خواهد بود. براین اساس باید دید که آیا ارکان تحقق این نوع از مسئولیت فراهم است یا خیر. با این حال، پیش از

۱. ماده ۲۲۱ ق.م: «اگر کسی تعهد اقدام به امری را بکند یا تعهد نماید که از انجام امری خودداری کند، در صورت تخلف، مسئول خسارت طرف مقابل است مشروط بر اینکه جبران خسارت تصریح شده و یا تعهد عرفاً به منزله تصریح باشد و یا برحسب قانون موجب ضمان باشد.»

بررسی این پرسش، باید دید که آیا متعهدله می‌توانسته با وجود بقای قرارداد و بدون آنکه الزام متعهد را به اجرای تعهدش بخواهد، مطالبه خسارت کند یا خیر.

۱-۲. امکان‌سنجی طرح دعوی مطالبه خسارت بدون رعایت تقدم در الزام خواننده به اجرای قرارداد

آیا با وجود یک قرارداد صحیح بین طرفین، متعهدله ابتدائاً و بدون طرح دعوی الزام به انجام تعهدات، می‌تواند دعوی مطالبه خسارت را مطرح کند؟ در پاسخ به این پرسش، دو پاسخ می‌توان ارائه داد: از یک‌سو، می‌توان گفت که در فرض عدم انجام تعهدات، متعهدله ابتدائاً باید دعوی الزام به انجام تعهدات قراردادی را مطرح کند، زیرا آنچه مقصود و منظور طرفین از انعقاد قرارداد بوده، اجرای اصل تعهد است. جبران خسارت یک شیوه‌ی بدلی برای اجرای تعهدات بوده و بین تعهد اصلی و جبران خسارت رابطه‌ی طولی برقرار است، برای همین، تا زمانی که امکان اجرای اصل قرارداد وجود دارد، نباید به سراغ بدل تعهد رفت. اصل لزوم قراردادها نیز، موید همین دیدگاه است (همو، ۱۳۹۷: ۱۱۳). در پرونده‌ی موردنظر نیز، خواهان دعوا باید دعوی اجرای اصل تعهد را علیه فیلم‌بردار مطرح می‌کرد، چراکه اصل تعهد انجام فیلم‌برداری و تحویل فیلم‌ها به خواهان بوده- است و مطالبه خسارت بدل آن شمرده می‌شود. با این توصیف، خواهان با طرح دعوی مطالبه خسارت، اصل لزوم قراردادها را نادیده گرفته‌است. در مقام تقویت این پاسخ، می‌توان به موقعیت حق فسخ نسبت به اجرای اصل قرارداد نیز توجه کرد. طبق مواد ۲۳۷، ۲۳۸، ۲۳۹، ۳۷۶، ۴۷۶ و ۴۸۷ ق.م.ق فسخ امری استثنایی برای متعهدله می‌باشد که در نتیجه‌ی عدم امکان اجرای قرارداد پدید می‌آید. پس، هرگاه در لازم یا جایز بودن عقدی شک بشود، یا در فرضی که در وجود یا عدم وجود خیار شک بشود، اصل بر لازم بودن قرارداد است (شهیدی، ۱۳۹۳: ۲۵۸؛ کاتوزیان، ۱۳۹۵: ۵۶). بنابراین، در مواردی که متعهد، تعهد خود را اجرا نمی‌کند، متعهدله باید ابتدا الزام متعهد مبنی بر انجام تعهد را درخواست کند و در صورت عدم امکان الزام، خواستار فسخ قرارداد شود (همو، ۱۳۹۷: ۴۶؛ قاسمی‌زاده، ۱۳۸۸: ۲۱۸). به موجب مواد قانونی یادشده، حق فسخ به عنوان یک نهاد بدلی در اثر عدم انجام تعهد اصلی برای متعهدله ایجاد می‌شود. در اینکه جبران خسارت و حق فسخ نسبت

به تعهد اصلی، نهادهای بدلی به‌شمار می‌روند، شکی نیست. از طرفی حکمت وضع این دو نهاد نیز مشابه است، چراکه هر دو برای دفع ضرر نامشروع از متعهدله کارایی دارند. پس این دو نوع تعهد بدلی تفاوت عمده‌ای با هم ندارند. با توجه به این نکته، از تقدیمی که الزام به انجام اصل قرارداد نسبت به فسخ دارا می‌باشد، می‌توان در خصوص جبران خسارت نیز استفاده کرد و نتیجه گرفت: همان‌طور که در فسخ قرارداد ابتدا باید الزام به انجام تعهد خواسته شود، در جبران خسارت نیز ابتدا باید الزام متعهد به انجام قرارداد خواسته شود و تنها در صورت احراز تخلف است که می‌توان حکم به پرداخت خسارت صادر کرد، به ویژه آنکه ماده ۲۲۱ ق.م.ا.ز^۱ لزوم احراز تخلف را برای مطالبه خسارت لازم می‌داند. احراز تخلف قاعدتاً پس از اجبار متعهد به انجام تعهد و عدم انجام تعهد از سوی وی ممکن می‌شود. لذا متعهدله باید بدواً اجرای اصل تعهدات را درخواست بکند و بدواً حق مطالبه خسارت یا فسخ قرارداد را ندارد.

با این حال، باید توجه داشت که این باور مسلماً درباره تعهداتی که به نحو وحدت مطلوب باشند، قابل اجرا نیست. در این نوع از تعهدات، هم، نفس انجام تعهد و هم، زمان انجام آن برای متعهدله اهمیت دارد. در واقع، زمان اجرای تعهد قراردادی دارای ارزش واحدی با خود تعهد قراردادی می‌باشد، به نحوی که اگر تعهد در مدت مزبور و مقرر در قرارداد انجام نشود، انجام آن تعهد هیچ ارزشی برای متعهدله نخواهد داشت. در اینجا بحثی از الزام نیست و تنها اقدامی که برای متعهدله ممکن است، مطالبه خسارت ناشی از عدم انجام تعهد است (شهیدی، ۱۳۹۵: ۳/۳۵). به بیان دیگر، زمان اجرای تعهد، قید انجام تعهد است و اگر تعهد در زمان مقرر انجام نشود، هیچ مطلوبیتی برای متعهدله ندارد. برای مثال می‌توان تعهد به تحویل ماشین گل‌کاری‌شده عروس در شب عروسی را در نظر گرفت: اگر این تعهد در زمانی غیر از شب عروسی انجام شود ارزشی برای متعهدله ندارد و تاخیر در انجام این تعهد به منزله‌ی از بین رفتن اصل تعهد است. در این فرض، تنها راه باقی مانده برای متعهدله مطالبه خسارت ناشی از عدم انجام تعهد می‌باشد و اساساً امکان

۱. ماده ۲۲۱ ق.م.ا.ز «اگر کسی تعهد اقدام به امری را بکند یا تعهد نماید که از انجام امری خودداری کند، در صورت تخلف، مسئول خسارت طرف مقابل است...».

الزام به انجام تعهد مصداق پیدا نمی‌کند. اما در فرض عدم انجام تعهداتی که از جنس تعدد مطلوب هستند، اصل تعهد همچنان قابلیت اجرایی داشته و هنوز برای خواهان مطلوبیت دارد (کاتوزیان، ۱۳۹۷: ۱۴۶). در این فرض، زمان اجرای تعهد، هرچند برای ذی‌نفع آن دارای اهمیت است و بالتبع تاخیر در انجام تعهد موجب ورود خسارت به وی می‌شود، اما به گونه‌ای نیست که بتواند مطلوبیت اجرای اصل تعهد را زیر سوال ببرد (همان). در این فرض، ممکن است همچنان بر لزوم تقدم درخواست اجرای تعهد بر درخواست مطالبه خسارت تاکید شود، اما حقیقت این است که هرچند مطالبه خسارت و حق فسخ هر دو ضمانت اجراهای بدلی تعهد می‌باشند و در این نقطه با هم اشتراک دارند اما تقدم الزام به انجام اصل تعهد بر فسخ را نمی‌توان به مطالبه خسارت نیز تسری داد، زیرا جدای از آنکه این تقدم از لحاظ فقهی نیز مسلم نبوده و برخی از فقها، به هم‌عرض بودن دو اختیار الزام و فسخ تصریح دارند (امام خمینی، ۱۳۹۶: ۵/ ۱۱۴۴؛ خویی، ۱۳۶۶: ۷/ ۳۹۶؛ حسینی عاملی، ۱۴۱۸: ۲/ ۲۸۱)، رویکرد قانون‌گذار در این خصوص، همواره مورد نقد دکتربین حقوقی قرار گرفته‌است. برای مثال منتقدین در این خصوص به مشکلات اجرایی و صعب‌الوصول بودن حق در این تقدم اشاره کرده‌اند که می‌تواند پیش‌روی متعهدله قرار بگیرد. تقدم انجام عین تعهد بر فسخ قرارداد مطابق مواد ق.م. باعث اطاله دادرسی در دادگاه‌ها و سوءاستفاده متعهد از این ابزار قانونی برای صدمه‌زدن به حقوق متعهدله می‌شود (صفایی و الفت، ۱۳۸۹: ۵۷) و این امر مخالف عدالت قضایی نیز می‌باشد، چرا که در روند اجرای قرارداد بین اختیارات طرفین برابری وجود ندارد. یکی از طرفین قرارداد به خواست خود از اجرای قرارداد خودداری کرده‌است و اکنون طرف مقابل را در راهروهای دادگستری سرگردان و درگیر دعاوی حقوقی مبنی بر لزوم اجرای اصل قرارداد کرده‌است (بادینی و شاهی، ۱۳۹۹: ۸۵). برای همین، برخی معتقدند لفظ «می‌تواند» در ماده ۲۳۷ ق.م. افاده اختیار می‌کند و متعهدله در تقدیم فسخ بر الزام اختیار دارد (صادقی نشاط، ۱۳۸۸: ۳۲). با توجه به این

۱. «الشروط العقلانیة یترتب علیها امران عندهم: احدهما حق إلزام الشارط المشروط علیه بالعمل به، والثانی حق الخیار عند التخلف، فلو كان الحق الثانی مترتباً علی الاول بمعنی انه مع عدم حق الالزام لا یکون حق الفسخ ایضاً».

نکته‌ها، منطقی نیست که رویکرد قابل نقد قانون‌گذار در تقدیم الزام به اجرای اصل تعهد بر فسخ را به موقعیت مطالبه خسارت نیز تسری دهیم. به علاوه، برخی اوقات، تقدم الزام به اصل تعهد نسبت به اعمال فسخ باعث ورود ضرر بیشتری به متعهدله می‌شود و این امر با مبنای خیار تضاد پیدا می‌کند (خویی، ۱۳۶۶: ۷/۳۹۶). همچنین در برابر اصل لزوم قراردادهای باید گفت: تاکید بیش از اندازه بر این اصل باعث می‌شود، بر طرفین قرارداد مشقت و ضرر نامتعارفی وارد آید، حال آنکه می‌دانیم در ادبیات فقهی و حقوقی ما از ضرر نهی شده‌است و در این موارد، اصل لاضرر، بر سایر اصول مقدم می‌گردد (زراعت، ۱۳۹۲: ۱۲/۲۶۷). افزون بر این‌ها، بر اساس ماده ۲۲۶ ق.م: «در مورد عدم ایفای تعهدات از طرف یکی از متعاملین، طرف دیگر نمی‌تواند ادعای خسارت نماید مگر اینکه برای ایفای تعهد، مدت معینی مقرر شده و مدت مزبور منقضی شده باشد...». بدین ترتیب، کافی است که تعهد، مدت داشته و منقضی شده باشد، در این صورت، می‌توان مطالبه خسارت کرد، بی‌آنکه نیازی به مطالبه اصل تعهد باشد. درست است که در این پرونده، برای اجرای تعهد، مدتی پیش‌بینی نشده اما به نظر می‌رسد در این موارد باید به عرف پناه برد، همچنان که در ادبیات حقوقی گفته شده در مواردی که برای اجرای قرارداد زمان مشخصی تعیین نشود، زمان اجرای آن را باید به عرف واگذار کرد (شهیدی، ۱۳۹۵: ۵/۴۹: امامی، ۱۳۴۷: ۳۲۵: رهپیک، ۱۳۹۴: ۱۴۲). بر این اساس، به نظر می‌رسد در عرف، از فیلم‌بردار انتظار می‌رود بلافاصله پس از برگزاری عروسی و مضي مدت کوتاهی به جهت انجام کارهای تدوین فیلم، تعهد خویش را اجرا کرده و فیلم‌ها را به خواهان تحویل بدهد. بدین ترتیب، در فرضی همانند فرض پرونده مورد گفتگو که متعهد همچنان و با وجود پایان مدت تعهد، از تحویل فیلم‌ها امتناع می‌کند، می‌توان گفت که مدت منقضی شده و راه برای مطالبه خسارت فراهم است.

۲-۲. تقصیر متعهد

بر اساس ماده ۹۵۳ ق.م تقصیر به تعدی و تفریط تعریف شده‌است. ماده ۹۵۱ این قانون تعدی را به تجاوز از «حدود اذن و متعارف» و ماده ۹۵۲ تفریط را به ترک عملی که به موجب «قرارداد یا متعارف» لازم است، تعریف کرده‌است. با توجه به این مواد، می‌توان گفت که تقصیر مفهومی

متکی بر عرف اجتماعی است (کاتوزیان، ۱۳۹۴: ۶۸؛ رهپیک، ۱۳۸۸: ۲۷؛ شهیدی، ۱۳۹۵: ۳/۶۷). برای احراز تقصیر باید یک انسان متعارف را ضابطه تشخیص قرار داد (صفایی و رحیمی، ۱۳۹۴: ۱۵۱)، انسانی که از همه حیث در دسته افراد متوسط جامعه قرار می‌گیرد. به علاوه، باید رفتار اعضای هر گروه و صنف را با افراد متعارف همان گروه و صنف مقایسه کرد. بر این اساس، رفتار خواننده به عنوان عضو صنف فیلم‌بردار را باید با افراد متعارف همین صنف قیاس کرد؛ فیلم‌بردار متعارف متوجه اهمیت تصاویر و فیلم ضبط شده هست، برای همین، تمامی دقت و تلاش خویش را صرف حفظ آنها خواهد کرد. به علاوه، از فیلم‌بردار متعارف انتظار می‌رود که آشنا با روش کار با دستگاه حافظه باشد. در پرونده نخست، ورود اشتباه رمز، آن هم برای سه بار به دستگاه حافظه، که خواننده قاعدتاً هم از اهمیت فیلم‌ها و هم از اثر ورود رمز اشتباه آگاه بوده یا می‌باید آگاه باشد، رفتاری برخلاف رفتار یک فیلم‌بردار متعارف بوده است. در رأی نخست خواننده در جلسه‌ی اول رسیدگی، تقصیر خود در نگهداری فیلم را قبول می‌کند. در رأی دوم نیز دادرس بیان می‌کند: «خواننده مسئولیت محافظت از فیلم و عکس‌های مراسم را برعهده داشته و حداقل مسئولیت وی آن بوده که فیلم‌ها و عکس‌های مراسم را علاوه بر هارد کامپیوتر در یک حافظه جانبی نیز نگهداری کند اما وی با ترک این وظیفه زمینه ورود خسارت را فراهم آورده است». برای همین تردیدی در تقصیر خوانندگان در هر دو پرونده، باقی نمی‌ماند. جدای از این، در قراردادهای، تخلف متعهد و تقصیر او همواره مفروض قلمداد می‌شود، زیرا صرف عدم انجام تعهد برعهده گرفته شده در قرارداد، خود نقض قرارداد است و تقصیر قلمداد می‌شود (کاتوزیان، ۱۳۹۷: ۱۵۶). به خصوص آنکه در فرض مورد بحث، تعهد به تحویل فیلم عروسی، تعهد به حصول نتیجه معین است، در این نوع از تعهد، مدعی انجام نشدن تعهد، نیازی به آوردن دلیل برای اثبات مسئولیت متعهد ندارد (همان، ۱۶۷-۱۶۵)، بلکه کافی است تا عدم حصول نتیجه معین (در اینجا، عدم تحویل فیلم‌های عروسی) را اثبات کند و این متعهد قراردادی است که برای رهایی از آثار جبران خسارت باید به امری فراتر از بی‌تقصیری استناد کند، یعنی باید بتواند وجود حادثه خارجی احترازناپذیر را ثابت کند تا بتواند از مسئولیت رهایی یابد (همان: ۱۶۴). بدین ترتیب بار دلیل بر دوش متعهد قرار دارد و او باید برای رهایی خود از مسئولیت وجود مانع قهری را ثابت کند (ماده‌ی ۲۲۷ ق.م. شهیدی، ۱۳۹۵: ۳/۶۶).

۲-۳. شرایط زیان قابل جبران

هر جا که نقصی در اموال ایجاد شود یا منفعت مسلمی از بین برود یا به سلامت و حیثیت و عواطف شخص لطمه‌ای وارد آید، ضرر به بار آمده است (کاتوزیان، ۱۳۹۴: ۳۸).^۱ نویسندگان حقوقی انواع ضرر را مادی، معنوی و بدنی می‌دانند؛ مقصود از زیان مالی، ضرری است که در نتیجه از بین رفتن اعیان اموال، کاهش ارزش اموال و مالکیت معنوی یا از بین رفتن منفعت و حق مشروع اشخاص به آنان می‌رسد و میزان آن، تفاوت میان دارایی کنونی زیان‌دیده و دارایی او در صورتی است که فعل زیان‌بار رخ نمی‌داد (همان). زیان بدنی شامل لطماتی است که به تمامیت جسمانی افراد وارد می‌شود. برای مثال، صدمه‌ای که به جسم افراد وارد می‌شود و زیان زننده را به جبران زیان محکوم می‌کند. زیان معنوی، ضرری است که به حیثیت، آبرو یا عواطف و احساسات اشخاص وارد شده باشد. تجاوز به حقوق غیرمالی انسان و لطمه زدن به احساسات دوستی، خانوادگی، مذهبی و درد و رنجی که در اثر حادثه‌ای ایجاد شود، زیان معنوی است (صفایی، ۱۳۵۵: ۲۴۰؛ کاتوزیان، ۱۳۹۴: ۴۳؛ ره‌پیک، ۱۳۸۸: ۴۸). به عبارت دیگر، زیان معنوی، لطمه‌ای است که به سرمایه غیرمادی انسان وارد می‌شود. آسیبی که به حواس ظاهری، احساس، عاطفه، نفس، موقعیت خانوادگی یا شغلی و یا منزلت اجتماعی انسان وارد می‌شود و موجب تأثر درونی یا کاهش اعتبار و ارزش او شود، ضرر معنوی است (نیک فرجام به نقل از العوجی، ۱۳۹۲: ۱۰۹).

در پرونده اول، خواهان دو مصداق اصلی زیان‌هایش را در بخشی از دادخواست چنین بیان می‌دارد: «لان من کل هزینه‌هایی را که برای عروسی کرده‌ام می‌خواهم و خسارت کل اشک‌هایی را که خانمم ریخته است». طبیعتاً، هزینه‌های مربوط به مراسم، خسارت مالی و خسارت مربوط به اشک‌ها، خسارت معنوی شمرده می‌شود. در پرونده دوم نیز، خواهان‌ها مدعی هستند که برای مراسم جشن عروسی خود مبلغی بالغ بر ۲۶ میلیون تومان هزینه کرده‌اند که

۱. در فقه، ر.ک. به: «أن الضرر عبارة عن فوت ما يجده الإنسان من نفسه وعرضه وماله وجوارحه، فإذا نقص ماله وطرف من أطرافه بالإتلاف أو التلف أو زهق روحه أو هتك عرضه بالاختيار أو بدونه يقال: إنه تضرر به...»، نجفی خوانساری، شیخ موسی، منیة الطالب تقریر بحث میرزا نائینی، ج ۳، موسسه نشر اسلامی، ۱۴۱۸، ۳۷۷.

موجب خسارت مادی آنها شده و «تمامی لحظات آن سبب تکرارنشده‌ی پاک شده و از بین رفته به گونه‌ای که گویا هیچ زمانی سپری نشده است و در نتیجه خسارت معنوی غیرقابل‌انکار و جبران‌ناپذیری به آنها وارد شده است».

درباره هر دو نوع خسارت مطالبه شده در هر دو پرونده، بعد از این، بیشتر سخن گفته خواهد شد، اما درباره خسارت معنوی مطالبه شده در پرونده نخست، باید گفت از آنجا که خواهان، تاجر و غم‌ورده به همسر خویش را مطالبه کرده، او صلاحیت طرح دعوی برای دریافت خسارت را ندارد و خود شخص زیان‌دیده باید جداگانه طرح دعوی بکند. اگر هم، خواهان مدعی باشد که در نتیجه تاجر همسرش، او نیز دچار آسیب روحی شده و خواستار جبران خسارت به نفع خودش می‌باشد، باز هم این خسارت قابل مطالبه نیست، چرا که این خسارت، با واسطه بوده و در نظام حقوقی ما قابل مطالبه نیست. به هر روی، در ادامه، شرایط زیان‌قابل مطالبه بررسی خواهد شد.

۲-۳-۱. لزوم مستقیم بودن ضرر

زیان باید از فعل خوانده ناشی شده باشد تا قابل مطالبه باشد (کاتوزیان، ۱۳۹۴: ۷۹؛ صفایی و رحیمی، ۱۳۹۴: ۱۰۳)؛ یعنی اگر فعل خوانده انجام نمی‌شد، چنین ضرری به زیان‌دیده وارد نمی‌شد. بنابراین، اگر یک علت خارجی که ارتباطی با متعهد ندارد، سبب اصلی نقض تعهد بوده، متعهد، محکوم به پرداخت خسارت نمی‌شود، زیرا یا وجود سبب خارجی رابطه سببیت بین فعل مرتکب و ضرر وارده قطع می‌شود (ره‌پیک، ۱۳۸۸: ۷۴). پس اگر زیان حاصله مستند به اسباب قهری یا فعل شخص ثالث یا خود زیان‌دیده باشد، ورود ضرر به خواننده قابل انتساب نبوده و در نتیجه، جبران خسارتی در کار نخواهد بود. در احراز رابطه‌ی سببیت به دقت‌های فراوان فلسفی و ریاضی‌گونه نیازمند نمی‌باشیم، بلکه احراز رابطه‌ی سببیت بر اساس عرف کافی می‌باشد (ره‌پیک، ۱۳۸۸: ۶۸).^۱ البته وجود رابطه سببیت مفروض نیست، بلکه در هر مورد متعهدله باید وجود آن را ثابت کند (شهیدی، ۱۳۹۵: ج ۶/۱۰۳-۶).

۱. ماده ۳۳۲ قانون مدنی: «هرگاه یک نفر سبب تلف مالی را ایجاد کند و دیگری مباشر تلف شدن آن مال شود مباشر مسئول است نه مسبب مگر اینکه سبب اقوی از مباشر باشد به نحوی که عرفاً اتلاف مستند به او باشد».

۷۴: کاتوزیان، ۱۳۹۴: ۸۱). جدای از این، زیان، باید نتیجه‌ی مستقیم رفتار خواننده باشد، زیرا در اثر یک حادثه ممکن است خسارت‌های متعددی ایجاد شود، طبیعتاً از میان این خسارت‌ها، تنها آن دسته قابل مطالبه هستند که مستقیماً ناشی از تقصیر خواننده باشند. منظور از مستقیم بودن زیان این است که بین نقض تعهد و زیان، عامل دیگری وجود نداشته باشد، تا جایی که بتوان گفت ضرر در نظر عرف، بی‌واسطه از نقض تعهد ناشی شده است (همان: ۴۹؛ امامی، ۱۳۴۷: ۲۴۵؛ ره‌پیک، ۱۳۸۸: ۶۷). برای همین، هرگاه بین نقض تعهد و ضرر حادثه‌ای دیگر واقع شود این ضرر، مستقیم نیست؛ چون احتمال دارد ضرر به واسطه‌ی آن حادثه باشد. بر اساس ماده ۵۲۰ قانون آ.د.م. تنها ضرر بلاواسطه و مستقیم در قلمرو مسئولیت قراردادی قرار می‌گیرد و ضمان آن بر عهده‌ی مامطل یا ممتنع نهاده می‌شود (کاتوزیان، ۱۳۹۷: ۲۱۸). بر اساس این ماده، خواهان مکلف شده تا اثبات کند که «زیان وارده بلاواسطه ناشی از عدم انجام تعهد یا تأخیر آن و یا عدم تسلیم خواسته بوده است».

به‌هرروی، استدلال دادرس در پرونده‌ی دوم برای رد درخواست مطالبه ضرر مادی این‌گونه بیان می‌شود: «... ولی رابطه سببیت این فعل با خسارت مادی مورد ادعای خواهان‌ها برقرار نیست، از نظر عرفی نیز این زیان به فعل خواننده قابل استناد نیست». سخن دادرس از این حیث که بین هزینه‌ی عروسی و و عمل فیلم‌بردار رابطه‌ی سببیت وجود ندارد، سخن درستی است، چرا که این هزینه‌ها پیش از انجام فیلم‌برداری صرف شده‌اند و نمی‌توانند نتیجه‌ی تقصیر فیلم‌بردار باشد. در پرونده نخست نیز، دادرس در خصوص خسارت مادی چنین بیان می‌کند: «... هزینه‌های مربوط به مراسم، خسارت مستقیم نیستند». در بخشی از رأی چنین آمده است: «بر اساس اصول جبران خسارات در مسئولیت مدنی تنها خساراتی قابل جبران می‌باشند که رابطه مستقیم با عدم انجام تعهد از ناحیه متعهد دارند، لذا دادگاه این ادعای خواهان را که چون عکس‌برداری به طور صحیح به انجام نرسیده پس عکس‌بردار می‌بایست هزینه عروسی را پرداخت کند چون اصلاً انجام عروسی صرفاً به قصد فیلم‌گرفتن بوده است را وارد نمی‌داند چون آنچه مستقیماً به عنوان خسارت مادی در اثر عدم انجام تعهد عکس‌بردار مطرح می‌شود هزینه‌ای است که شخص برای فیلم‌برداری متحمل شده است و مازاد بر آن علاوه بر اینکه متعهد از قصد و نیت خواهان اطلاع نداشته به عنوان خسارت نمی‌توان مطالبه کرد». بدین ترتیب، دادگاه، تنها هزینه‌ای که شخص

برای فیلم‌برداری متحمل شده را خسارت مستقیم تلقی می‌کند. سخن دادگاه از این جهت که تنها خسارت مستقیم را قابل مطالبه می‌داند، درست است اما به نظر می‌رسد تشخیص دادگاه درباره مصداق خسارت مستقیم قابل تامل باشد. از نظر این دادگاه، خسارت مستقیم، «هزینه‌ای است که شخص برای فیلم‌برداری متحمل شده است»؛ این در حالی است که این هزینه، نه خسارت، که اجرت عمل فیلم‌بردار است، تردیدی هم نیست که در صورتی که امکان تادیه‌ی یکی از عوضین به علت از بین رفتن مورد تعهد، وجود نداشته باشد، طرف مقابل (متعهدله) از دادن عوض قراردادی معاف می‌باشد. پس در این پرونده با عدم ارائه فیلم و تصویر ضبط شده، فیلم‌بردار نمی‌تواند مستحق نگاهداشت اجرت فیلم‌برداری باشد. بنابراین، استرداد آن نه از جهت جبران خسارت بلکه از جهت ایفای ناروا است.

باین‌حال، هم‌آهنگ با تصمیم هر دو دادگاه در هر دو پرونده، می‌توان گفت که تلقی هزینه‌های عروسی به عنوان خسارت مستقیم و قابل مطالبه نادرست است، زیرا خواننده، سبب برهم خوردن عروسی نشده تا او را مکلف به برگزاری مجدد مراسم بدانیم. فرضی را تصور کنید که آقای الف، به مراسم عروسی آقای ب وارد شده و این مراسم را بر هم می‌زد، طبیعتاً، میان فعل آقای الف و برهم‌خوردن مراسم عروسی رابطه سببیت به صورت مستقیم را می‌توان تصور کرد و هزینه‌ی عروسی را هم می‌توان از آقای ب مطالبه کرد، اما در پرونده موجود، به دشواری می‌توان چنین رابطه‌ای را تحلیل کرد. عدم تحویل فیلم‌های عروسی باعث نشده تا مراسم عروسی از بین برود؛ مراسم عروسی برگزار شده و طبعاً فوایدی مختلفی از آن حاصل شده است. آنچه از دست خواهان رفته، تصاویری است که خواهان، انتظار داشته از آن مراسم در اختیار داشته باشد و اکنون ندارد. با توجه به این سخن، نمی‌توان میان هزینه مراسم عروسی با فعل خواننده، رابطه سببیت مستقیم برقرار کرد. به بیان دیگر، نقض تعهد خواننده باعث نشده تا مراسم از بین برود، بر همین اساس، تلقی هزینه عروسی پرداخت شده توسط خواهان به عنوان زیان قابل توجیه نیست.

با وجود این، نباید از یاد برد که مسلماً زیان معنوی خواهان‌ها در پرونده دوم، نتیجه مستقیم تقصیر فیلم‌بردار است. او فیلم عروسی را تحویل نداده و در اثر مستقیم این اقدام، به خواهان‌ها خسارت معنوی وارد شده است. در هر دو پرونده نیز، دادگاه‌ها این نکته را می‌پذیرند. برای نمونه، در پرونده نخست، قاضی چنین تصمیم می‌گیرد: «عدم انجام تعهد یا اجرای ناقص تعهد از ناحیه متعهد باعث ورود خسارت معنوی به خواهان گردیده است»، در پرونده دوم نیز، چنین می‌خوانیم: «قطعاً لطمه وارد شده به احساسات و عواطف زوجین ضرر تلقی می‌شود و این لطمه به فعل خواننده قابل استناد عرفی است». حال، باید دید که آیا این زیان قابل پیش‌بینی بوده است یا خیر.

۲-۳-۲. لزوم قابلیت پیش‌بینی زیان

متعهد در صورت نقض تعهد مکلف به جبران آن دسته از خساراتی است که وقوع آنها، قابل پیش‌بینی باشد. به بیان دیگر، خواننده دعوای مسئولیت قراردادی فقط باید پاسخگوی نتایج قابل پیش‌بینی عمل خود بوده و جبران خسارات پیش‌بینی‌ناپذیر در قلمرو مسئولیت او قرار نمی‌گیرد (پیشین: ۱۹۴؛ صفایی و رحیمی، ۱۳۹۴: ۱۱۲؛ ره‌پیک، ۱۳۸۸: ۶۶). بنابراین هیچ خواننده‌ای مسئول جبران همه نتایجی که از افعال او ناشی می‌شود، نبوده (همان) و برای او صرفاً در باب خسارات متعارف و طبیعی، مسئولیت جبران در نظر گرفته می‌شود (کاتوزیان، ۱۳۹۷: ۲۲۶). در تقویت این باور می‌توان به مفاد مواد ۲۲۱ و ۶۳۲ ق.م و نیز مواد ۵۱۶ و ۵۱۷ ق.م.ا که به غیرقابل مطالبه بودن خسارات غیرقابل پیش‌بینی در حوزه مسئولیت مدنی قهری مربوط هستند، اشاره کرد (همان: ۲۲۷-۲۲۱). همراه با این باور، دادرس پرونده اول، بر این باور است که «در مسئولیت منعی قراردادی عنصر قابل پیش‌بینی بودن شرط لازم برای جبران خسارت می‌باشد». ملاک برای قابل پیش‌بینی بودن خسارت ملاک نوعی است (همان: ۱۹۳). در این مسیر، جدای از آنکه می‌توان به مواد ۹۵۱ و ۹۵۲ ق.م استناد کرد، مواد ۵۱۸ و ۵۲۱ ق.م.ا نیز قابل استناد هستند. به بیان دیگر، باید دید که آیا ورود ضرر، برای نوع انسان‌ها، قابل پیش‌بینی بوده است یا خیر، چرا که با گسترش روابط اجتماعی افراد و درگیر شدن حقوق در ذره ذره روابط انسانی امروزه تفسیر فردی صرف از قرارداد نمی‌تواند حجت باشد. در تفسیر مفاد قرارداد باید به شرایط اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و عرفی

یک جامعه نگاه کنیم و با در نظر گرفتن همه‌ی این موارد اقدام به تفسیر اراده‌های دو طرف قرارداد کنیم (همو، ۱۳۷۲: ج ۱/ ش. ۸۵). حال، باید دید که آیا خسارت مطالبه شده از سوی خواهان، قابل پیش‌بینی بوده یا خیر. از بخشی از رأی دادگاه در پرونده نخست، می‌توان این گونه استنباط کرد که دادگاه، خسارت مورد ادعا را قابل پیش‌بینی نمی‌داند. به نظر دادگاه، «متعهد از قصد و نیت خواهان اطلاع نداشته»، برای همین، نتیجه می‌گیرد که نمی‌توان هزینه برگزاری عروسی را به عنوان خسارت مطالبه کرد. این در حالی است که همان‌گونه که گفته شد، معیار قابلیت پیش‌بینی فقط شخصی نیست، بلکه همین اندازه که نوعاً و عرفاً بتوان ورود خسارت را پیش‌بینی کرد، باید خسارت را قابل پیش‌بینی دانست ولو آنکه برای شخص متعهد، این خسارت، قابل پیش‌بینی نباشد، بنابراین، رد خواسته خواهان در خصوص جبران خسارت به این دلیل که «متعهد از قصد و نیت خواهان اطلاع نداشته»، سخن درستی نیست. در جامعه کنونی، عکس‌ها و فیلم‌ها، اگر بگوییم نقشی بیشتر از خود رویدادها ایفا می‌کنند، مبالغه نکرده‌ایم. مردمان امروز، بیش از آنکه خود اتفاق‌ها برای‌شان مهم باشد، تصویری که از اتفاق‌ها دارند، برای‌شان مهم‌تر است، این ترجیح و اهمیت، به ویژه آنجا که با پدیده مهمی چون عروسی روبه‌رو هستیم، بیشتر می‌شود. آنها دوست دارند تصاویر چنین رویدادهایی را برای همیشه نگاه دارند و به طور خاص، به اشتراک بگذارند. برای اثبات این سخن، کافی است نگاهی به شبکه‌های اجتماعی بیندازیم و به عرف رایج در میان مردم پی ببریم. مردم جامعه به این امید در رویدادها نقش بازی و حتی برای برگزاری آنها هزینه می‌کنند که در نهایت، تصویری از آن را در اختیار داشته باشند. بر این اساس، کسی که متعهد به فیلم‌برداری شده، نمی‌تواند خود را جاهل به اهمیت عکس و فیلم بداند و خسارت ناشی از عدم انجام تعهدش را غیرقابل پیش‌بینی تلقی کند. ادعای چنین جهلی از سوی کسی که شغل فیلم‌برداری از مجلس عروسی را انتخاب کرده، قابل پذیرش نیست یا کمینه آنکه خود نشان‌دهنده تقصیر متعهد است.^۱ با توجه به این نکات، می‌توان خسارت معنوی خواهان‌ها را قابل پیش‌بینی دانست.

۱. ماده ۵۲۲ ق.م.ا: «متصرف هر حیوانی که از احتمال حمله آن آگاه است باید آن را حفظ نماید و اگر در اثر

در صورتی که بر لزوم مطالبه اجرای تعهد و تقدم آن بر مطالبه خسارت تاکید کنیم، طبیعتاً نوبت به تحلیل روش جبران خسارت نخواهد رسید: متعهدله باید اجرای اصل تعهد را مطالبه کند و تنها زمانی می‌تواند مطالبه خسارت کند که اجرای اصل تعهد، قابل انجام نباشد. در فرض اخیر و نیز، در صورتی که از ابتدا، قائل به تقدم اجرای اصل تعهد بر مطالبه خسارت نباشیم، باید به روش جبران خسارت نیز، فکر کرد. در هر دو رای، خواهان، پرداخت هزینه‌های برگزاری مراسم عروسی را خواسته، اما در قابلیت پذیرش این خواسته، تردید وجود دارد، چه همان‌گونه که گفته شد، مراسم عروسی، فواید مختلفی دارد که طبیعتاً برای خواهان حاصل شده است، به جز اینکه تصویری از آن باقی نمانده است. بنابراین، الزام خواننده به تقبل تمامی این هزینه‌ها، برای جبران خسارت مادی، چیزی فراتر از جبران کامل خسارت و به نوعی، سود رساندن به زیان‌دیده است. در مسیر جبران زیان زیان‌دیده، باید در مسیری قدم برداشت که در کنار جبران خسارت وارده، موجب نشود که، مبلغی بیش از خسارت وارده، به زیان‌دیده پرداخت شود، به علاوه، بر عامل زیان نیز، بیش از اندازه لازم سخت‌گیری نشود. این در حالی است که الزام عامل زیان به پرداخت تمامی هزینه‌های عروسی، چیزی فراتر از جبران خسارت بوده و سخت‌گیری بیش از اندازه بر عامل زیان نیز هست.

در پرونده نخست، دادرس پس از بیان اینکه «هزینه انجام عمل قیلم‌برداری ۶۰۰ هزار تومان می‌شود»، حکم به محکومیت خواننده به «پرداخت مبلغ ۶۰۰ هزار تومان بابت خسارت مادی و نیز ۶۰۰ هزار تومان بابت خسارت معنوی وارده به ایشان صادر و اعلام می‌نماید...». دادرس محترم، اگرچه نمی‌گوید اما بنا به ظاهر، اعتقاد دارد که خسارت معنوی خواهان، اگر بیش از خسارت مادی وی نباشد، کمتر نیست. برای همین، برای هر دو، مبلغی یکسان در نظر می‌گیرد، با این حال، صرف‌نظر از درستی یا نادرستی این روش، حقیقت این است که مبلغ منظور شده به عنوان

تقصیر او، حیوان مزبور به دیگری صدمه وارد سازد، ضامن است. ولی اگر از احتمال حمله حیوان آگاه نبوده و عدم آگاهی ناشی از تقصیر او نباشد، ضامن نیست.»

خسارت مادی، اجرت عمل خوانده است که ناروا و بی‌آنکه به تعهد خویش عمل کند، در تصرف خویش نگاه داشته است، بنابراین، تردیدی در لزوم استرداد آن نیست، به همین دلیل، تلقی آن به عنوان خسارت، قابل توجیه نیست. با توجه به این سخن، ادامه مسیر دادگاه در خصوص خسارت معنوی نیز، نادرست خواهد بود، زیرا برای محاسبه خسارت معنوی، به معیاری تکیه کرده که از اساس، نادرست است.

در پرونده دوم، دادرس، خوانده را به پرداخت هزینه‌های لازم برای تجدید مراسم محکوم می‌کند تا «اگر زوجین تمایل داشته باشند زمینه‌ای فراهم کنند تا مجدداً با تهیه مقدماتی، مشابه عکس و فیلم‌های مراسم عروسی از خود عکس و فیلم تهیه کنند». در واقع، دادرس، از یک‌سو، هزینه عروسی را به عنوان خسارت مادی تلقی نمی‌کند اما از دیگر سو، پرداخت این هزینه‌ها را مناسب‌ترین روش برای جبران خسارت معنوی خوانده می‌داند. این دو باور، با هم متناقض نیستند، زیرا در مرحله جبران زیان، عادلانه‌ترین راه این است که قاضی روشی که بیشترین هماهنگی را با وضعیت طرفین پرونده دارد، در نظر بگیرد. چنین اختیاری بر اساس ماده ۳ ق.م.م. به قاضی داده شده است: «دادگاه میزان زیان و طریقه و کیفیت جبران آن را با توجه به اوضاع و احوال قضیه تعیین خواهد کرد».

با این حال، یک نکته را نباید از نظر دور داشت: قاضی در پرونده نخست، موضوع را به کارشناس ارجاع داده و به نظر کارشناس، «امکان بازیابی فیلم عروسی از هارد دستگاه فیلم‌برداری از طریق ارسال این دستگاه به کشور آلمان» وجود دارد. این نظریه، اگرچه در لابلای ماجراهای پرونده، فراموش می‌شود اما حقیقت این است که نباید نادیده‌اش گرفت. با توجه به این نظریه، آیا بهتر نیست که به جای الزام به پرداخت پول برای جبران خسارت معنوی، خوانده به ارسال دستگاه به کشور آلمان به منظور بازیابی فیلم محکوم شود؟ در این باور، الزام به ارسال دستگاه به عنوان اجرای اصل تعهد تلقی نمی‌شود، زیرا اصل تعهد، فیلم‌برداری از مجلس عروسی و تحویل فیلم آن بوده و این امر نیز، به دلیل وحدت مطلوب بودن تعهد و گذشت موعد آن، قابل انجام نیست. بنابراین، این باور، منافاتی با آنچه در ابتدای این نوشتار، درباره عدم لزوم تقدم

اجرای عین تعهد بر جبران خسارت، گفته شد، ندارد. در واقع، الزام یاد شده، به عنوان روشی برای از بین بردن منبع زیان است که علی‌الاصول بر هر روش دیگری برای جبران زیان ترجیح دارد (کاتوزیان، ۱۳۹۴: ۱۶۲؛ صفایی و رحیمی، ۱۳۹۴: ۲۴۰).

برای همین، به نظر می‌رسد بهتر است قاضی در موارد مشابه، در صورت احراز امکان بازیابی فیلم‌ها از طریق ارسال آنها به خارج، از همین روش برای جبران زیان استفاده کند. در غیر این صورت، به نظر می‌رسد بهتر است قاضی به جای آنکه خواننده را به برگزاری مجدد مراسم عروسی یا پرداخت هزینه‌های آن محکوم کند، به روشی فکر کند که می‌تواند بیشترین نزدیکی را به اجرای اصل تعهد خواننده داشته باشد، به نحوی که خواهان را در موقعیتی قرار دهد که بتوان فرض کرد که اگر خواننده به تعهد خویش عمل می‌کرد، خواهان، اکنون در آن موقعیت قرار داشت. به علاوه، موجب سخت‌گیری بیش از اندازه نیز بر عامل زیان نشود (میرشکاری، ۱۳۹۹: ۴۰۱).

برای همین، به نظر می‌رسد در این مسیر، الزام خواننده به تهیه آنچه در عرف، به کلیپ عروسی معروف است، منطقی‌ترین راه باشد، به این معنا که فیلمبردار زمینه‌ای فراهم کند تا مجدداً با تهیه مقدماتی مثل اجاره باغ جهت لوکیشن فیلمبرداری، اجاره خودرو، عکس‌برداری و هزینه‌های متفرقه، از این مراسم کلیپی به جای فیلم عروسی تهیه کند و تعهد خود را از این طریق انجام دهد.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

در جهان امروز و میان مردم در جامعه کنونی، تصویر، اهمیت به مراتب بیشتری، از خود اتفاق موضوع تصویر دارد. این اهمیت، درباره بعضی از رویدادهای مهم زندگی مانند مراسم عروسی بیشتر هم می‌باشد. برای همین، در فرضی که متعهد به انجام فیلم‌برداری از مجلس عروسی با تقصیر خویش، سبب از بین رفتن فیلم‌ها می‌شود، طبیعتاً، متعهدله می‌تواند خسارت خویش را مطالبه کند. حال، باید دید که آیا شرایط لازم برای تحقق مسئولیت مدنی عامل زیان فراهم است یا خیر. در این مقاله، تلاش شد با تاکید بر عنصر تقصیر و قابلیت پیش‌بینی و مستقیم بودن زیان، تحقق یا عدم تحقق مسئولیت مدنی متعهد بررسی شود. بر این اساس و با توجه به عدم انجام تعهد قراردادی از سوی متعهد، تقصیر وی محرز دانسته شد. به علاوه، این نتیجه، گرفته شد که خسارت معنوی مطالبه شده، مستقیماً به خاطر تقصیر متعهد ایجاد شده است، به نحوی که اگر او مرتکب تقصیر نمی‌شد، چنین زبانی نیز، وارد نمی‌شد. همچنین، با توجه به اهمیت عرفی تصویر، نوعاً قابل پیش‌بینی است که نبود تصویر، چه لطمه شدیدی به متعهدله وارد می‌کند. با این اوصاف، تردیدی در مسئولیت متعهد در فرض یاد شده باقی نمی‌ماند. با این حال، پرسش اصلی این است که با چه روشی باید زیان وارده را جبران نمود؟ به نظر می‌رسد باید به دنبال روشی بود که متعهدله را در موقعیتی قرار دهد که گویی، تعهد اجرا شده است نه اینکه او را به نفع تازه‌ای برساند. به علاوه، سبب عسر و حرج متعهد نیز نشود. در این مسیر، به نظر می‌رسد توجه به اوضاع و احوال قضیه عامل اصلی در تعیین روش مناسب باشد. در نتیجه، پیشنهاد می‌شود با توجه به لزوم از بین بردن منبع زیان، در صورتی که روشی برای بازیافت فیلم وجود دارد، قاضی در درجه نخست، عامل زیان را به اجرای این روش ملزم کند. در مرتبه بعدی نیز، الزام عامل زیان به تهیه آنچه در عرف به کلیپ عروسی معروف است و نظایر آن می‌تواند روش مفیدی باشد.

منابع و مأخذ:

الف - منابع فارسی:

کتاب:

۱. امامی، سیدحسن، (۱۳۴۷)، حقوق مدنی. جلد یک، چاپ سوم، تهران، نشر اسلامیه.
۲. ره‌پیک، حسن، (۱۳۹۴)، حقوق مدنی حقوق قراردادهای، چاپ دوم، تهران، انتشارات خرسندی.
۳. ره‌پیک، حسن، (۱۳۸۸)، حقوق مسئولیت مدنی و جبران‌ها، چاپ پنجم، تهران، انتشارات خرسندی.
۴. شهیدی، مهدی، (۱۳۹۵)، حقوق مدنی-آثار قراردادهای و تعهدات، جلد سوم، چاپ هفتم، تهران، انتشارات مجد.
۵. شهیدی، مهدی، (۱۳۹۵)، حقوق مدنی-سقوط تعهدات، جلد پنجم، چاپ دهم، تهران، انتشارات مجد.
۶. شهیدی، مهدی، (۱۳۹۳)، حقوق مدنی- اصول قراردادهای و تعهدات، جلد دوم، چاپ ششم، تهران، انتشارات مجد.
۷. صفایی، سید حسین، (۱۳۵۵)، مفاهیم و ضوابط جدید در حقوق مدنی، تهران، انتشارات مرکز تحقیقات.
۸. صفایی، سید حسین؛ رحیمی، حبیب‌الله، (۱۳۹۴)، مسئولیت مدنی، تهران، انتشارات سمت.
۹. قاسم‌زاده، سید مرتضی، (۱۳۸۸)، اصول قراردادهای و تعهدات، چاپ یکم، تهران، نشر دادگستر.
۱۰. کاتوزیان، ناصر، (۱۳۹۷)، قواعد عمومی قراردادهای، جلد چهارم، چاپ یکم، تهران، انتشارات گنج دانش.
۱۱. کاتوزیان، ناصر، (۱۳۹۵)، قواعد عمومی قراردادهای، جلد پنجم، چاپ دهم، تهران، شرکت سهامی انتشار.
۱۲. کاتوزیان، ناصر، (۱۳۹۴)، وقایع حقوقی-مسئولیت مدنی، چاپ هفدهم، تهران، شرکت سهامی انتشار.
۱۳. کاتوزیان، ناصر، (۱۳۷۲)، قواعد عمومی قراردادهای، جلد یکم، چاپ دوم، تهران، مدرس و بهمن برنا.

۱۴. زراعت، عباس، (۱۳۹۲)، ترجمه و شرح العناوین، جلد دوم، چاپ چهارم، تهران، انتشارات جنگل.
۱۵. میرشکاری، عباس، (۱۳۹۹)، رساله عملی در مسئولیت مدنی، چاپ سوم، تهران، شرکت سهامی انتشار.

مقالات:

۱۶. بادینی، حسن؛ انصاری، علی؛ شاهی دامن جانی، احد، (۱۳۹۹)، «بررسی چالش‌های تقدم انجام عین تعهد بر فسخ قرارداد از منظر اقتصادی (مطالعه تطبیقی در نظام حقوقی ایران و آمریکا)»، فصلنامه پژوهش حقوق خصوصی، دوره ۹، شماره ۳۲، پاییز، صص ۸۳-۱۰۶.
۱۷. پارساپور، محمدباقر؛ حسینی، سیدمیلا؛ شاهی، احد، (۱۳۹۴)، «قابلیت جمع شیوه‌های جبران خسارت قراردادی در حقوق اسلام و ایران در مقایسه با اسناد بین‌المللی»، پژوهش تطبیقی حقوق اسلام و غرب، دوره ۲، شماره ۱، بهار، صص ۱-۲۸.
۱۸. صادقی نشاط، امیر، (۱۳۸۸)، «حق فسخ قرارداد با وجود امکان الزام به اجرا در حقوق ایران»، فصلنامه حقوق (مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران)، دوره ۳۹، شماره ۴، زمستان، صص ۲۹۷-۳۱۴.
۱۹. صفایی، حسین؛ الفت، نعمت‌الله، (۱۳۸۹)، «اجرای اجباری عین تعهد و تقدم آن بر حق فسخ قرارداد»، نامه مفید، شماره ۱۷، شماره پیاپی ۷۹، شهریور، صص ۴۳-۶۲.
۲۰. نیک‌فرجام، زهره، (۱۳۹۲)، «جبران خسارت معنوی در فقه و حقوق»، پژوهش‌نامه‌ی فقه و حقوق اسلامی، دوره ۶، شماره ۱۱، بهار و تابستان، صص ۱۰۵-۱۲۷.

ب- منابع عربی:

۲۱. حسینی العاملی، سید محمدجواد، (۱۴۱۸ ق)، مفتاح الکرامه فی شرح قواعد العلامه، جلد دوم، چاپ اول، لبنان، بیروت، دارالتراث.
۲۲. خویی، سید ابوالقاسم، (۱۳۶۶)، مصباح الفقاهه، جلد هفتم، نجف، انتشارات حاجیانی.
۲۳. موسوی خمینی، سیدروح‌الله، (۱۳۹۶)، البیع، جلد پنجم، قم، موسسه مطبوعاتی اسماعیلیان.
۲۴. نجفی خوانساری، شیخ موسی، (۱۴۱۸ ق)، منیة الطالب، تقریر بحث میرزا نائینی، جلد سوم، قم، موسسه نشر اسلامی.

Analysis of two Verdicts on Moral Damages Resulting from Breach of Contractual Obligations

Abbas Mirshekari¹
 Mohammad Arzi²

Abstract

The subject of this article is the analysis of two judgments in the field of claiming moral damages.

The subject of these two judgments is that the obligor did not fulfill his obligation to film a wedding ceremony and did not deliver the wedding videos. The obligee has also filed a lawsuit and demanded compensation for the damages incurred by her.

Naturally, one of the examples of damages is the moral damage that has been inflicted on the obligee due to not having a lasting visual record of the wedding ceremony.

Now, it remains to be seen under what circumstances this type of damage can be claimed in the Iranian legal system.

In this article, considering the fact that moral damages sought are directly caused by the obligor and are basically predictable, the ability to claim such damages is emphasized.

Another issue is the method of compensation. In these two judgments, two methods have been used to compensate for the moral damage: one, the obligation to "pay the equivalent of the salary received" and the other, the obligation to "pay the equivalent of the costs of the wedding ceremony."

In this article, emphasizing the fact that the judge should think in a way that is compatible with the "circumstances of the case", an attempt is made to examine the appropriateness of the abovementioned methods.

KeyWords: *Moral damage, being compelled to fulfill the main obligation, compensation, right of termination.*

1. PhD in Private Law. Faculty of Law and Political Science. University of Tehran,
 (Email: mirshekariabbas1@ut.ac.ir)

2. Master student of private law, Tehran University of Judicial Sciences,
 (Email: mohammadarzi@yahoo.com)

ابعاد و کاربردهای دانشنامه‌ای مقاله

